

نویسنده: سرگی دمیروف. مردم شناس

سرگی دمیروف تحصیلات خود را در دانشکده اقتصاد و تاریخ دانشگاه دولتی مسکو بنام م. و. لمونوسف (شعبه مردم شناسی) بپایان میرساند. دمیروف از سال ۱۹۵۹ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ در جمهوری ترکمنستان شوروی زندگی و کار میکند. وی در سال ۱۹۵۹ در شعبه مردم شناسی انستیتوی تاریخ فرهنگستان علوم ترکمنستان شوروی استخدام شد، جاییکه بلاوقته تا پایان سال ۱۹۹۷ در آنجا کار کرد. دمیروف مولف هفت کتاب (پنج مونوگرافی) و بیش از ۳۵۰ مقالات علمی درباره اعتقادات ترکمن ها است. سرگی میخایلوویچ دمیروف بازنشسته است و در روستای باتورین منطقه بروخوتس ناحیه کراسنودار زندگی میکند.

ترجمه از: رحیم کاکایی

## درختان مقدس

درختان، همانند پاره ای دیگر موضوعات بی جان طبیعت، جهان نباتات و حیوانات ترکمنستان، جای مهمی را در افسانه ها و باورهای ترکمنها که از دوران پیش از اسلام حفظ شدند، اشغال میکنند. بخشی از آنها – بازتاب باز نمود ها و تصورات باستانی کشاورزان ده نشین ایرانی زبان آسیای مرکزی دوره پیش از ترکان است، که نزد آنها کیش گیاهان جای ویژه ای را داشت (کافی است سیمای حامی فرهنگ کشاورزی بابا دایخان (1) را بخاطر بیاوریم).

بسیاری عناصر زندگی و فرهنگ که مقدم بر قشروسازند قومی و اتنیکی هستند بصورتی نو توسط مردمان ترک زبان درک شدند و بخشی از این عناصر را خود این گروه قومی در خود گنجانده شد.

بنحویکه حتی تصور درخت اساطیری زندگی ایرانیان باستان بنام درخت حیات که در آن هر برگی که ظاهر و زوال میابد مظهر انسان زنده بر روی زمین بود، در شکل گزته برداری ترک زبانی عمر آغاجی (درخت زندگی) (2) در اسطوره شناسی ترکمن وارد شد.

طبق تصورات موهوم پرستانه مذکور، زنگ توی گوش های این یا آن شخص آنگاه بوجود میاید که با مرگ کسی برگ مربوطه با نام او از شاخه های این درخت کنده میشود و به آرامی چرخش کنان سر راه برخوردارن برگ با نام همان آن روی زمین می افتد.

طبعاً، درختان، چه بلحاظ فرهنگی و چه جهان نباتات وحشی ترکمنستان نقش مهمی در زندگی روزمره ترکمنها، بویژه در مناطق کشاورزی بمتابه منبع تغذیه و حرارت و همچنین به عنوان مصالح ساختمانی بازی کردند و میکنند.

در اثر تحقیقی بزرگ « گیاهان و حیوانات در افسانه ها و باورهای ترکمنها»، که مولف این سطور چندین سال پیش تدارک دید، اما متأسفانه انتشار آن ممکن نشد، بیش از بیست گونه درخت بازتاب یافتند. برخی از آنها را ما در گفتمان کنونی بطور مختصر اشاره میکنیم.

در گیاهان موجود در نزد ترکمنها درخت داغدان جای ویژه ای را اشغال میکند – درختی که تنها در مناطق کوهستانی یافت میشود و تا اندازه ای کمیاب است. در ادبیات علمی این درخت بعنوان درخت سنگی (3) یا داغداغان قفقازی (4) شناخته شده است.

داغدان بویژه به دره ها و شکاف های کوه جاییکه در ترک ها و شکاف های سنگی آب باران ذخیره میشوند علاقمند است. مختومقلی بزرگ دریکی از اشعار خود ضمن توصیف از کوه حصار (5) در

منطقه غارری غالاً ترکمنستان، از جمله اشاره میکند که آن - « بیلی داغانلی» است، یعنی «کمرگاش پراز درخت داغان» است.

خاصیت غیر معمولی چوب های این درخت نسبتاً کم ارتفاع، که بیشتر از چهار- پنج متر نیست و دارای استحکام و ثبات فوق العاده در برابر پوسیدگی است- مدتها است که توسط انسان گوشزد شده بود.

از این رو درخت داغان، همپای درخت آرچا ( درخت اُرس) بعنوان تیر چوبی حامل سقف در ساخت و ساز خانه ها و همچنین در ساختن برخی لوازم خانگی برای استفاده طولانی مدت بکار میرفت: مثلاً برای پایه های چوبی زین شتر(هاتاپ، خاتاپ: ترکمنی)، دستگاه بافندگی (غیلیچ : ترکمنی)، دسته یا دستگیره سنگ آسیاب دستی و غیره.

اما در میان صنایع دستی از درخت داغان از زمان های دیرین طلسم چشم زخم بیشترین شهرت را پیدا کردند ، که تحت همین نام از چوبی که از آن درست میشوند معروف هستند.

سفیدی چشمی، که نگاه را جذب و مانند زره بدنی است، که او را از « خطرات» خنثی میکند و زمانی او خوب و نیک نیست، که با گذشت سالیان و دهه ها زرد و سپس قهوه ای شوند. درباره داغان بعنوان طلسم محافظ در جنوب ترکمنستان مورد زیر رایج بود.

ساحری (جادوی) تصمیم میگیرد که نیروی سحرآمیز خود را نشان دهد و دید که شتری نزدیک میشود، ساحر نگاه خود را به او متمرکز میکند، به پیرامونیان خود اطمینان میدهد که شتر از نگاه اش باید بر زمین بیفتد. اما شتر تنها مکث میکند و نمی افتد. جادوگر از این امر بسیار به شگفت میاید، اما سپس معلوم میشود که پایه چوبی درزین شتر از چوب داغان ساخته شده است. از نگاه جادوگر به پایه چوبی درزین شتر ترکی در چوب بوجود میآمد، اما حیوان آسیبی ندید.

طلسم های داغان اشکال بسیار گوناگون را دارند، همانند: شکل کدوی کوچک، شکل چرخ، شکل قارچ، شکل شانه، شکل شاخ های نمادین قوچ (غُچاق.ترکمنی)، شکل نای کوچک لوله ای توخالی و غیره. در بالای آنها بعنوان تزئین نقش و نگارهای ساده کنده کاری میشوند و در بیست - سی ساله اخیر این الگوها گاهی اوقات رنگ آمیزی میشوند.

زنان این طلسم ها را روی سینه می اندازند، در کودکان و برخی پیرمردان آنها به کلاه (6) دوخته میشوند. روی درب ورودی منزل یا بردروازه ها بعنوان طلسم تنها یک قطعه چوب داغان میتوان دید.

برای استفاده در مقاصد جادویی داغان در سنن ملی نام درخت مقدس ( کرامتلی آغاچ) را گرفت، هر چند برخی از مصاحبه شوندگان آنرا به گروه « درختان ناپاک و نجس (حرام آغاچ) منسوب داشتند که کاملاً در ارتباط با کاربرد خصوصیت داغان علیه چشم « بد» و «ناپاک» قابل فهم است.

نکته شایان توجه اینکه درخت آرچا (درخت اُرس)، که با داغان بر اساس خاصیت چوبی خود رقابت میکند، بخاطر آن است که در طبیعت به مراتب بیشتر مشاهده میشود ( نایابی یکی از شرایط بکارگیری در سحر است) و مفتخر به موادی برای تبدیل شدن به طلسم نشد.

با این حال جالب است که نوک و انتهای تیرهای درختان آرچا (اُرس) که ده - پانزده سانتیمتر برجسته تر از پایه استوانه ای جایگاه مقبره معروف سلطان سنجر در حوالی بایرام آلی هستند (

اثر معماری تاریخی سده دوازده ( در سالهای شصت سده بیست بطوری که نویسنده این سطور بارها شاهد بود، توسط ساکنین محلی کنده کاری شدند.

عقیده بر این بود که این ذره های کنده شده و برگرفته شده از مکان مقدس که شامل مقبره مورد نظر است، به سردرها بسیار کمک میکنند. گاهی اوقات درخت آرچا (درخت اُرس) نه به تنهایی، بلکه در آمیزه با مکان مقدس، همچنین به موضوع پرستش بدل شده است. چنانکه مثلا، با درخت آرچای (اُرس) واقع در ویست متر بالاتر از مکان مقدس شولان در منطقه غارری غالاً روی داد. شاخه های این درخت کاملا با تکه پارچه های گره خورده نذری، با کمان اسباب بازی، با گهواره و با دیگر مطالبات خاص از قدیس پوشیده شده بودند.

از جمله درختان مورد احترام درخت چنار بزرگ زیبا است، که در طبیعت، شاید باز هم کمیاب تر از درخت داغدان دیده میشود و تنها آنجایی وجود دارد که چشمه های همیشگی آب هست. عقیده بر این است که نیروی درختان چنار به نیروی افسونگری مردم، که توسط دشمنان تعقیب میشوند درمیآیند.

نشانه این امر گویا برگ پنچ انگشتی چنار است، که یاد آور پنجه انسان است. از این رو درختان چنار را همانند داغدان نباید سوزاند و بعنوان مواد سوختی استفاده کرد. معروفترین چنار در خاک ترکمنستان درخت « هفت برادران» بشمار میرود که در استراحتگاه کوهستانی شهرستان فیروزه در سی و پنج کیلومتری عشق آباد است.

درخت باقی مانده ی منحصر بفردی، که بیش از پانصد سال عمر دارد و از هشت تنه تشکیل شده ( یکی از تنه ها خشک و ارّه شده است) و موجب حماسه زیبایی فیروزه و هفت برادران او شد که دلیرانه از خود در برابر انبوهی از دشمنان دفاع کردند و سرانجام ناگزیر شدند از نیرویی والاتر در خواست کمک کنند که آنها را به چنار تنومندی با هشت تنه در هم ادغام شده تبدیل کنند.

در دوران شوروی چنار « هفت برادران» یکی از نقاط تفریحی برای گردشگران متعددی شد که به اینجا از سراسر شوروی می آمدند. بسیاری افسانه ها با برخی درختان دیگری که در ترکمنستان مشاهده میشوند مرتبط هستند.

درختان در حال رشد در مکانهای مقدس، صرف نظر از جنس آنها مقدس بشمار میروند. آنها را نباید قطع، سوزاند و شاخه های آنها را خرد کرد. مرتکب شدگان چنین اعمالی گویا مجازات سخت در انتظار است. به این امر بویژه پیشامدی، که مولف این سطور شاهد ناخواستگی آن شد مرتبط است. در آوریل سال 1960 برای من اتفاق افتاد که با همکاران انستیتوی فیزیک آکادمی علوم ترکمنستان به گردش غار معروف بهردین به حوزچه آب گرم زیرزمینی منحصر بفرد آن برویم.

مامد، آذربایجانی چهل ساله و راننده کامیون نفر برما با دونفر ترکمن بومی درباره جنس درخت در حال رشد بر فراز محل ورود غار، که نزد اهالی اطراف، بعنوان مکان مقدس « غوو- آتا» (غار- پدر). معروف است، گفتگو میکرد. او مدعی بود که این درخت انجیر است. مامد در حال بالا رفتن از درخت شاخه ای را شکست و بعنوان اثبات حقایق خود آنرا نزد ما آورد.

اما در راه بازگشت، ضمن عبور از روستای گوکجه که در دوازده کیلومتری عشق آباد، در جاده ای هموار کامیون نفر برما واژگون شد. با این حال از هفده نفر به انضمام خود راننده، هیچکس بطور جدی آسیب ندید. هنگامیکه پس از مدت زمانی ما با مامد درباره این پیش آمد صحبت کردیم، او اذعان داشت

که معتقد است اتفاق پیش آمده کیفر اعمال او است: ضمن شکستن شاخه ای کوچک، او متوجه شده بود که به دیگر شاخه ها ی این درخت تکه پارچه های زائران گره خورده بودند و در نتیجه این درخت همچنین مقدس بشمار میاید.

مأمدمرا مطمئن ساخت که خیال دارد گوسفندی بعنوان قربانی جهت آمرزش قدیس بیاورد. همانطور که می بینیم، درختان در تصورات ملتها اغلب در نوع خود بعنوان نمونه ای از رابطه تنگاتنگ وبهم فشرده طبیعت وانسان عمل میکنند.

توضیح مترجم:

1- اسطوره شناسی: اسطوره آسیای مرکزی. (مؤلف: بلیسیه وا) بُوَبو- دِهقون- در اسطوره شناسی از بکها، ترکمنها (بابا - دایخان)، قیرقیزها (بابا - دبیقان)، قازاق ها (دیقان - بابا)، قارا قالپاق ها (دبیخان - بابا) وتاجیکها (بُوبُوی دِهقون) - خدای حامی کشاورزی، بُوبُو - دِهقون چهره پیش از اسلام بشمار میاید. او در شکل پیرمردی تنومند (نزد قیرقیزها - بعنوان پرندگان) مجسم میشد. در اسطوره ها او خصایص آشکار قهرمان فرهنگی را داشت. بر اساس یکی از آنها، بُوبُو - دِهقون نخستین گاو آهن را اختراع کرده است، در عین حال آنچه جالب است،، یک بخش گاو آهن توسط شیطان به او تلقین شده بود. طبق اسطوره ترکمنی، با اشاره و راهنمایی شیطان، بُوبُو - دِهقون نخستین کانال آبیاری (قنات) را احداث کرد. اما آب در حفر خندق (آریق) آن جاری نمیشد. در آن زمان بُوبُو دِهقون تصمیم گرفت از شیطان حرف بکشد که اشتباه او در چیست. لباس های قشنگ پوشید و نان کلوچه ای را گرفت، او با ظاهری خوشحال از کنار شیطان گذشت. بدون اینکه تظاهری از خود نشان دهد، او گفت: «یقین، بُوبُو - دِهقون پی برده که خندق (آریق) باید نه مستقیم، بلکه همانند رودخانه پریپچ وتاب «باشد. نزد کشاورزان از بیک وتاجیک، که نخستین شخم وکشت نمادین را بعمل میاوردند، تجسم زنده بُوبُو - دِهقون در نظر گرفته میشد. غالبا دیگر آیین های کشاورزی را با خدا ارتباط میدادند. ترکمنهای جنوب غربی به بُوبُو دِهقون قطعات زمین ویژه را وقف کردند.

2- اؤمور آغاجی. ترکمنی. مترجم

3- درخت صخره شکن یا درخت آهنین نیز گفته میشود. نام علمی آن سلتیس، نام یک سرده یا جنس

از تیره شاهدانگان وراسته گل سرخ سانان است. مترجم

4- درخت داغداغان یا تادانه دار با نام علمی سلتیس آوسترالیس از خانواده نارون. در مناطق خشک

ودامنه های صخره های آسیای مرکزی، کریمه و قفقاز میروید. مترجم

5- حاسار. ترکمنی. مترجم

6- کلاه نقش ونگار دار همانند عرقچین. مترجم